

بررسی علل تمایل زنان به دوره‌های کارشناسی ارشد از منظر تمایلات علمی و خانوادگی و میزان برآورده‌شدن آن از طریق برنامه‌های درسی دوره‌ها

آسیه خیراللهی^{۱*}، احمدرضا نصر اصفهانی^۲، محمدرضا نیلی^۳

چکیده

هدف کلی این پژوهش بررسی علل افزایش ورود زنان به دوره‌های کارشناسی ارشد از منظر تمایلات علمی و خانوادگی و میزان برآورده‌شدن آن از طریق برنامه‌های درسی دوره‌ها در دانشگاه اصفهان است. روش به‌کاررفته ترکیبی (کمی-کیفی) است و ابزار استفاده‌شده پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته است که روایی آن‌ها از طریق نظر متخصصان و پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۹ برآورد شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن سال آخر دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بوده و حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۵۴ نفر برآورد شده است. یافته‌های کمی بیانگر مؤثر بودن عامل علاقه به علم و رشد شخصی و بی‌تأثیر بودن بهبود زندگی خانوادگی در ورود به دوره ارشد است. همچنین، یافته‌ها نشان داد متغیرهای جمعیت‌شناختی بر میزان تأثیر مؤلفه‌ها تأثیری نداشت. نتایج کمی در رابطه با میزان برآورده‌شدن انتظارهای از طریق برنامه درسی بیانگر آن بوده که برنامه درسی انتظار دانشجویان را برآورده نکرده است.

کلیدواژگان

زنان، دوره کارشناسی ارشد، علاقه به علم و رشد شخصی، بهبود زندگی خانوادگی، انتظار، برنامه درسی.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
akhirollahi@yahoo.com
۲. استاد گروه علوم تربیتی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
arnasr@edu.ui.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
m.nili.a@edu.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۷

مقدمه

زندگی انسان‌ها ابعاد متفاوتی دارد و بر این اساس رشد و تحول آن‌ها در هریک از این ابعاد برای هرچه غنی‌تر کردن زندگی، ضروری به نظر می‌رسد. آموزش‌های رسمی در دوران‌های مختلف در هر جامعه یکی از راه‌های معمول برای افراد آن در جهت رشد دادن توانایی‌ها و استعداد‌های خود در زمینه‌های مختلف شناخته شده است. زنان نیز در جامعه، هم به‌عنوان انسان و هم در نقش زن در خانواده، از این قاعده مستثنا نیستند و به دنبال دست‌یافتن به زندگی بهتر به دوره‌های آموزشی متفاوت وارد می‌شوند. زنان، به‌عنوان انسان، به‌طور فطری حس کنجکاو و میل به دانستن و کشف حقایق دارد و از این طریق برای ارضای نیاز به آگاهی در خود از طریق آموزش‌های موجود اقدام می‌کنند. زن، در مقام همسر و مادر، در خانواده وظایف مهمی برعهده دارد که برای ایفای هرچه بهتر آن‌ها، در پی افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود در این زمینه است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در دانشگاه‌ها افزایش چشمگیری پیدا کرد. به‌طوری‌که، این روند تا سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴ به ۵۳/۹ درصد افزایش یافت. در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱، جمعیت زنان در آموزش عالی از مردان پیشی گرفت. این تفاوت در سال‌های تحصیلی ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به اوج خود رسید، اما از سال ۱۳۸۹ کمی از میزان اختلاف کاسته شد و در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ این آمار به صورت ۴۸/۵۶ درصد مرد در برابر ۵۱/۴۴ درصد زن، گزارش شده است [۷]. جمعیت زنان در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد نیز رو به افزایش است. آمارهای موجود در دانشگاه اصفهان نشان می‌دهد که میزان ورودی‌های زن در همه دوره‌ها، و به‌طور خاص در دوره‌های کارشناسی ارشد، بیش از مردان بوده و این روند در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰، ۵۳ درصد از ورودی‌ها را زنان و ۴۷ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند [۷].

با تأمل در پژوهش‌های گذشته درباره انتظارهای زنان از دوره‌های تحصیلی، عوامل زیادی در این زمینه نقش داشتند؛ مانند دستیابی به شغل، تمایلات اجتماعی، خانوادگی، علمی، گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات، و دلایل شخصی. این عوامل در پروژه‌های بررسی شده است [۵]. اما در این مقاله، به جهت گستردگی زیاد موضوع، به دو عامل تمایلات علمی و خانوادگی پرداخته شده است. در ادامه، توضیحی درباره این دو مورد ارائه می‌شود.

تمایلات علمی: دانش از آن حیث که دانش است، مهم نگریسته می‌شود نه لزوماً و صرفاً از آن حیث که به کار گرفته می‌شود. هواداران تعلیم و تربیت آزاد، میان ارزش ذاتی و ارزش ابزاری دانش تفاوت می‌گذارند و برآن‌اند که نمی‌توان ارزش ذاتی دانش را به ارزش ابزاری آن فروکاست. از این رو، آن‌ها، برخلاف حرفه‌گرایان، معتقدند که برای کسب دانش، ضرورتاً نیازی به توجیه ابزاری آن نیست. به عبارت دیگر، ارزش هر آموزشی به این نیست که بینیم درنهایت

چه نوع مهارت عملی در فرد پدید می‌آورد، بلکه دانش به خودی خود، برای انسان ارزشمند است [۱۲]. هرست (۱۹۷۴) محوری بودن دانش برای انسان را تا آنجا پیش می‌برد که می‌گوید رفتار دانشی اصولاً معیاری است که فقط برحسب آن می‌توان از وجود ذهن در آدمی سخن گفت. به عبارت دیگر، دانش به ماهیت آدمی و ذهن وی ربط می‌یابد، پیش از آنکه لازم باشد از ارزش عملی و ابزاری آن سؤال کرد [۱۹].

طلب علم و یادگیری در اسلام نیز همواره مورد تأکید بوده و از طریق قرآن و معصومین همواره توصیه شده است. خداوند کریم در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد که فرستاده‌ای از خود ایشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکیزه‌شان کند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، هرچند از آن پیش در گمراهی‌ای آشکار فروبودند» [۱۱]. پیامبر (ص) در این زمینه فرمودند: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است»، «طلب علم بر هر مسلمان واجب است. آگاه باشید که خدا جویندگان علم و دانش را دوست می‌دارد» [۲].

زنانی که تحصیل کرده‌اند و خارج از منزل اشتغال دارند در تصمیم‌گیری‌ها نقش بیشتری ایفا می‌کنند. تحصیل رسمی به منظور ارتقای توانمندی روان‌شناختی حیاتی است [۱۷]. براساس موارد بیان‌شده، علاقه به علم و رشد شخصی از جمله دلایل زنان در ادامه تحصیل است.

تمایلات خانوادگی: بی‌تردید، تحصیل زنان مواهبی را برای فرد، خانواده، و درنهایت پیشرفت و توسعه جامعه در پی خواهد داشت، زیرا قطعاً افراد دارای اطلاع علمی بالا بیشتر می‌توانند برای فرزند، خانواده، و جامعه خود مفید باشند.

در زندگی خانوادگی، مهم‌ترین و مؤکدترین نقش‌هایی که برای زنان در منابع اسلامی ذکر شده، نقش‌های همسری و مادری آنان است؛ هرچند در اسلام نقش زن به‌هیچ‌وجه محدود به این دو مورد نیست و زن‌ها می‌توانند تجارت کنند. چنان‌که حضرت خدیجه (س)، همسر اول پیامبر (ص) و نخستین زنی که به اسلام گروید، چنین بود. زنان می‌توانند مواضع سیاسی اتخاذ کنند، حتی موضع‌گیری‌هایی که به شهادت آنان بینجامد؛ چنان‌که حضرت فاطمه (س)، دختر پیامبر خدا (ص) و همسر امام علی (ع) و مادر امام حسن و امام حسین (ع) چنین کرد [۱۳].

از آنجا که زن در خانواده و جامعه نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای دارد، کسب دانش روز و معارف الهی برای زنان لازم و ضروری است. اسلام برای دستیابی به هدف مقدس انسان‌سازی و ایجاد مدینه فاضله مورد نظر خود نهاد خانواده را با شکل و ساختار مورد قبول خود طراحی و ارائه کرده و آن را کانونی برای تربیت انسان‌ها قرار داده و تا آنجا پیش رفته که آن را محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد در نزد خداوند متعال معرفی کرده است. در همین زمینه، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «در منظر خدای متعال، هیچ نهادی محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده برپا نشده است» [۱۴]. بنابراین، در اسلام خانواده نهاد بنیادین اجتماعی و هسته اولیه جامعه

به‌شمار می‌رود و هر آنچه در جهت تقویت این بنیان و تعمیق روابط بین اعضای آن، به‌ویژه زن و شوهر به‌عنوان دو رکن اصلی این نهاد، کارساز است، مورد قبول قرار می‌گیرد و هر آنچه به تضعیف و سستی آن بینجامد، نفی شده و مذموم شمرده می‌شود.

زن و مرد هر یک به تناسب ویژگی‌ها و استعدادها متفاوتی که دارند، وظایف و مسئولیت‌ها و حقوق متفاوتی در خانواده برعهده می‌گیرند. شهید مطهری (۱۳۶۶) در این زمینه می‌نویسد: «تفاوت‌های زن و مرد تناسبی است، نه نقص و کمال. قانون خلقت وابسته است با این تفاوت‌ها، تناسب بیشتری میان زن و مرد، که برای زندگی خانوادگی ساخته شده‌اند، وجود دارد و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است» [۱۶].

شناخت صحیح حقوق زن و مرد در خانواده بدون توجه به نقش تربیتی آن و جایگاه منحصر به فرد نهاد خانواده در اسلام، همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که اسلام برای زن در خانواده در نظر گرفته، بسیار خطیرتر و مهم‌تر از نقش مرد است. پیامبر اسلام (ص) در تکریم نقش همسری زنان می‌فرماید: «ما استفاد امر و مسلم فائده الاسلام افضل من زوجه مسلمه تسره از نظر الیها و تططیبه از امرها و تحفظه از غاب عنها فی نفسها و ماله»: «مرد مسلمان بعد از نعمت اسلام هیچ بهره‌ای برتر از داشتن همسری مسلمان نبرده است، همسری که نگاه به او برای شوهر مسرت‌بخش است، فرمانبردار است، و در غیاب شوهر حافظ خود و مال همسر است» و در جای دیگر در تکریم مقام مادر می‌فرماید: «الجنة تحت اقدام الامهات» (کنز العمال) بهشت زیر پای مادران است [۱۶].

افزایش سطح تحصیل زنان موجب افزایش مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی و افزایش میزان فعالیت آنان خواهد شد. با وجود همه این مزیت‌ها، نگرانی‌هایی نیز در این خصوص وجود دارد؛ از جمله برهم‌خوردن موازنه جنسیتی در ازدواج به مفهوم تغییر در الگوی جنسیتی پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از اکثریت مردان به اکثریت زنان که می‌تواند در وضعیت ازدواج فارغ‌التحصیلان و دانشجویان تأثیرگذار باشد؛ به‌طوری‌که زنان با تحصیل عالی، فرصت ازدواج را از دست می‌دهند، زیرا مطابق دیدگاه همسان‌همسری، دختر و پسر با وضعیت‌های مشابه اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر ازدواج می‌کنند و در فرهنگ جامعه اعتقاد بر این است که زن و مرد از نظر سطح تحصیل اختلاف زیادی نداشته و سطح تحصیل شوهر، پایین‌تر از سطح تحصیل همسر نباشد. البته در بحث مسائل اجتماعی هیچ قاعده‌ای کلی نیست و در برخی موارد زنانی هستند که سطح تحصیل آنان بالاتر از شوهرشان است یا مردانی هستند که با سطح تحصیل عالی، همسری با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم دارند [۱۳].

با توجه به اینکه در ایران در امر ازدواج همواره مردان برای خواستگاری پیش‌قدم می‌شوند، زنان با تصمیم به ادامه تحصیل و در نتیجه آن شاغل شدن هم خود را در معرض انتخاب بیشتری قرار می‌دهند و هم اینکه کمبودهایی را که مانع انتخاب آن‌ها توسط مردان می‌شود

جبران می‌کنند. از سوی دیگر، از نظر فردی استقلال و آزادی بیشتری را برای خود به دست می‌آورند. بنابراین، می‌توان یکی از دلایل زنان برای ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل را بهبود زندگی خانوادگی، هم به لحاظ انتخاب مناسب همسر و هم بهتر ایفا کردن نقش همسری و مادری در خانه، دانست.

پیشینه پژوهش

تمایلات علمی و خانوادگی از جمله انگیزه‌های افراد، به‌ویژه زنان، برای ورود به دوره‌های آموزش مختلف بوده است. محققان نیز در پژوهش‌های خود به این نکته اذعان کرده و دریافتند که علاقه به علم و عوامل خانوادگی از جمله دلایل مهم و تأثیرگذار برای زنان در ورود به دوره‌های آموزش عالی است [۴؛ ۶؛ ۸؛ ۱۵؛ ۲۰؛ ۲۱؛ ۲۲؛ ۲۳]. طاهرخانی (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «آثار جهانی شدن بر زنان» افزایش روی‌آوری زنان به آموزش را از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر پدیده جهانی شدن می‌داند. قانع‌راد و خسروخاور (۱۳۸۵) معتقدند که سرمایه آموزش عالی را می‌توان هم به‌منزله مصرف اقتصادی و هم به‌منزله مصرف فرهنگی تحلیل کرد. انگیزه افراد در مصرف فرهنگی آموزش عالی دستیابی به ارزش‌ها و نمادها، ابراز خویشتن، و هویت‌یابی است و افراد بدون در نظر گرفتن بازده اقتصادی، هزینه‌های ثبت‌نام، و بار اقتصادی آن را حتی نامتناسب با درآمد خویش جهت ورود به دانشگاه می‌پذیرند. به نظر وی، خانواده به‌منزله یک نهاد مقدس در جامعه ایرانی عامل مهمی در ایجاد انگیزه برای ورود دختران به دانشگاه به‌شمار می‌آید. یافته‌های کیفی به‌دست‌آمده از تحقیقات کوکر^۱ (۲۰۰۳) درباره دلایل کسب تحصیل در زنان افریقایی-آمریکایی عبارت‌اند از: ۱. توسعه انسانی و گسترش توانایی‌هایی مثل هوش، مهارت تفکر انتقادی است که براساس آن به شغل مناسبی دست یافته و توان خرید آنان افزایش یابد؛ ۲. بهبود وضعیت خانواده به‌منزله مکانی که کودکان در آن اجتماعی می‌شوند و ارزش‌ها را می‌آموزند؛ ۳. افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی به‌عنوان رهبر جامعه برای کمک به هویت شخصی.

با توجه به اینکه چند دهه از ورود زنان به دانشگاه‌ها می‌گذرد، پیامدهایی از جمله افزایش بیکاری دانش‌آموخته‌ها گویای تبعاتی از افزایش حضور زنان است که عواقب سوء آن بیشتر متوجه خود آنان و در همین راستا متوجه کل جامعه می‌شود، اما از آنجا که گرایش وسیع زنان به ادامه تحصیل به یک پدیده انکارناپذیر در جامعه تبدیل شده است و با نظر به اینکه آموزش از حقوق اساسی هر فرد در جامعه محسوب می‌شود، نمی‌توان با رویکردی کاملاً بدبینانه به آن نگاه کرد. بنابراین، آنچه ضروری به نظر می‌رسد شناخت دقیق عوامل افزایش گرایش زنان به

1. Coker

آموزش عالی و تلاش به منظور هماهنگی هرچه بیشتر برنامه‌های درسی در دوره‌ها با انتظارات برآمده از این عامل‌هاست. هدف این پژوهش این است که تمایلات علمی و خانوادگی را در ارتباط با دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان بررسی کند و پس از آن به میزان برآورده شدن این انتظار از طریق برنامه‌های درسی در حال اجرا در دانشگاه بپردازد. شایان ذکر است که میزان برآورده شدن انتظار در رابطه با گسترش دامنه انتخاب همسر در بخش تمایلات خانوادگی به دلیل عدم موضوعیت بررسی نشده است (زیرا برآورده شدن این انتظار برعهده برنامه درسی نیست). این مطالعه موجب می‌شود میزان توفیق برنامه‌های موجود در پاسخگویی به انتظار زنان روشن شود و اصلاح‌های مورد نیاز مشخص شود. در این زمینه، سؤال‌های پژوهش بدین شرح است:

۱. آیا از دیدگاه دانشجویان زن علاقه به علم و رشد شخصی در تمایل آنان به دوره کارشناسی ارشد مؤثر بوده است؟
۲. آیا از دیدگاه دانشجویان زن بهبود زندگی خانوادگی در تمایل آنان به دوره کارشناسی ارشد مؤثر بوده است؟
۳. آیا بین تمایل زنان به دوره کارشناسی ارشد برای علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، رشته تحصیلی، و وضعیت اقتصادی) تفاوت وجود دارد؟
۴. آیا برنامه درسی موجود انتظار دانشجویان زن در زمینه علاقه به علم، رشد شخصی، و بهبود زندگی خانوادگی را برآورده می‌کند؟

روش تحقیق

روش به‌کاررفته در این پژوهش، ترکیبی (کمی- کیفی) و از نوع اکتشافی است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن سال آخر دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان در رشته‌های مختلف سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بوده است. حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۵۴ نفر برآورد شده (۱۵۹ نفر علوم انسانی، ۷۶ نفر علوم پایه، و ۲۰ نفر فنی‌مهندسی) که از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده‌اند. در مصاحبه نیز، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که در مجموع، از ۲۵ نفر از دانشجویان مصاحبه شد.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و پرسشنامه محقق‌ساخته است. پرسشنامه این پژوهش شامل هفت مقوله است: دستیابی به شغل، کسب منزلت اجتماعی، علاقه به علم و رشد شخصی، بهبود زندگی خانوادگی، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، دلایل شخصی، و برنامه درسی. این مقوله‌ها در قالب ۴۸ سؤال طیف لیکرت تنظیم شد. به دلیل حجم زیاد داده‌ها، در این مقاله فقط نتایج مربوط به مقوله‌های علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی گزارش شده است. روایی ابزار پژوهش از طریق ۵ نفر از استادان گروه علوم تربیتی و ۵ نفر دانشجویان زن در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) و پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۹ برآورد شده است. ۱۹۹ عدد پرسشنامه‌ای به محقق بازگشت داده شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: علاقه به علم و رشد شخصی در تمایل زنان برای ورود به دوره تحصیلات تکمیلی در ادامه، یافته‌های حاصل از مصاحبه (کیفی) و پرسشنامه (کمی) ارائه می‌شود. شایان ذکر است با توجه به اینکه روش پژوهش از نوع اکتشافی بوده است، ابتدا یافته‌های کیفی که از روش مقوله‌بندی تحلیل شده است ارائه می‌شود و بعد از آن یافته‌های کمی بیان خواهد شد.

الف) یافته‌های کیفی: علاقه به علم و عشق به درس خواندن می‌تواند از جمله عوامل مؤثر برای هر فرد در ادامه تحصیل باشد. درضمن، یکی از آثار کسب علم به‌طور مستقیم به خود فرد برمی‌گردد و موجب رشد و تعالی جنبه‌های شخصی و شخصیتی در او می‌شود که خود این مسئله در رسیدن انسان به مرحله‌ای از رشد، که همان خودشکوفایی و رسیدن به کمال است، می‌تواند تأثیر بسیار زیادی داشته باشد. از بین مصاحبه‌شوندگان، درصد بالایی (۲۰ نفر) علاقه به علم و رشد شخصی را از جمله دلایل و عوامل تمایل به دوره فوق لیسانس عنوان کردند و ۵ نفر نیز گفتند به این موضوع توجهی نداشتند. افراد با نظر مثبت به این عامل را می‌توان در دو گروه عمده قرار داد؛ گروه اول شامل کسانی است که علاقه به رشته تحصیلی خود را بیان کردند. عده‌ای هم درس خواندن و رشد درونی و شخصی را در تصمیم خود برای ادامه تحصیل مؤثر دانستند؛ مثلاً، فرد شماره ۱۶ می‌گوید: «من درس خواندن، تحقیق، و پژوهش را خیلی دوست دارم. به همین دلیل ادامه تحصیل دادم.»

ب) یافته‌های کمی: سؤال‌های مربوط به حیطه علاقه به علم و رشد شخصی به‌طور خلاصه همراه با پاسخ‌های داده‌شده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی داده‌ها زمینه‌ی علاقه به علم و رشد شخصی

گروه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	ناحدودی	موافق	کاملاً موافق	جمع فراوانی و درصد موافق و کاملاً موافق	میانگین طیف	انحراف معیار
۱. ارضای علاقه فرد به مطالعه	۱۱	۳۷	۸۰	۴۹	۲۲	۷۱	۳,۱۷	۱,۰۳
۲. افزایش آگاهی عمومی و رشد فرهنگی	۴	۶	۴۸	۱۰۳	۳۵	۱۳۸	۳,۸۱	۰,۸۳
۳. کسب تجربه جدیدی از زندگی	۲	۲	۲۹	۱۰۵	۵۹	۱۶۴	۴,۱۰	۰,۷۵
۴. بالارفتن آگاهی‌های فرد	۲	۴	۴۲	۹۷	۵۳	۱۵۰	۳,۹۸	۰,۸۰
۵. تقویت روحیه خودباوری و رسیدن به اعتماد به نفس بالا	۳	۸	۳۶	۸۹	۶۳	۱۵۲	۴,۰۱	۰,۸۹
۶. توصیه‌های اسلام مبنی بر فراگیری علم	۳۲	۵۵	۶۵	۳۳	۱۲	۴۵	۲,۶۸	۱,۱۱
جمع کل	۱۶۱	۲۷۶	۳۲۷	۱۶۶	۶۰	۲۲۶	۳,۶۳	۳,۹۶

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که سؤال‌های شماره ۳، ۵ و ۴ به ترتیب بیشترین میانگین و سؤال‌های شماره ۶ و ۱ کمترین میانگین را داشتند. نتایج یافته‌های حاصل از آزمون t تک‌متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه شده ۱۳/۱۶۸ بوده و تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است ($p < ۰/۰۵$). به عبارت بهتر، تمایل به علاقه به علم و رشد شخصی در گرایش به ورود به دوره کارشناسی ارشد به طور معنادار مؤثر بوده است.

سؤال دوم: بهبود زندگی خانوادگی در تمایل زنان برای ورود به دوره تحصیلات تکمیلی

الف) یافته‌های کیفی: زندگی خانوادگی برای زنان شامل دو مرحله بااهمیت است؛ یکی انتخاب درست همسر و دیگری ایفای هرچه بهتر نقش مادر و همسر بودن در خانواده. به همین دلیل این موضوع در دو بخش از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد که نتایج آن بدین شرح است. **گسترش دامنه انتخاب همسر:** یکی از گزینه‌های انتخاب همسر برای زوجین تحصیلات دانشگاهی است. بنابراین، افراد در پی افزایش سطح تحصیلات خود هستند تا بتوانند به تبع آن با فرد دارای تحصیل بیشتری آشنا شده و زندگی خانوادگی خود را آغاز کنند.

مصاحبه‌شوندگان در این مورد در سه بخش قرار می‌گیرند. گروه اول کسانی هستند که این عامل در ورود آن‌ها به دوره دخالت نداشته است (۱۵ نفر)، گروه دوم افرادی هستند که قبل از دوره ازدواج کرده و متأهل بودند که چنین گزینه‌ای برای آنان مطرح نبود (۶ نفر)، و گروه سوم که این عامل را در تصمیم خود برای ورود به دوره کارشناسی ارشد دخالت دادند (۴ نفر). از میان افراد گروه سوم، فرد شماره ۷ می‌گوید: «چون همیشه می‌خواستم با کسی که دارای علم است ازدواج کنم، به تبع خودم هم باید در محیط علمی حضور داشته باشم.»

از بین افراد گروه دوم برخی معتقد بودند که با ورود به این دوره و افزایش تحصیلات حتی دامنه این انتخاب محدودتر خواهد شد. برای نمونه، فرد شماره ۱۳ می‌گوید: «با افزایش تحصیلات توقع انسان بالاتر می‌رود و طبیعتاً موقعیت کمتری هم خواهد داشت.»

نقش همسر و مادر بودن در خانواده: زنان علاوه بر نقش اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی در جامعه، به‌عنوان مادر و همسر در خانواده نقش مهمی را برعهده دارند که این نقش از حساسیت زیادی برخوردار است و ایفای بهتر آن نیازمند توانمندسازی زنان در این زمینه است. از جمله راه‌های بهبود این توانایی ادامه تحصیل و افزایش سواد فرد است که می‌تواند از عوامل مؤثر برای تمایل زنان به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر باشد.

دوازده نفر از مصاحبه‌شوندگان این عامل را در تصمیم به ادامه تحصیل در خود مؤثر می‌دانستند و ۱۳ نفر اصلاً به این موضوع فکر نکرده بودند. افراد دسته اول دلایلی همچون افزایش مهارت در زندگی و بالارفتن میزان درک در خانواده را بیان کردند. از جمله فرد شماره ۷ می‌گوید: «من همیشه دوست داشتم که خانواده‌ام از نظر علمی بالاتر بودند تا بهتر بتوانند به من کمک کنند. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم در آینده این موضوع را برای فرزندانم جبران کنم.»

ب) یافته‌های کمی: سؤال‌های مربوط به حیطة بهبود زندگی خانوادگی به‌طور خلاصه به همراه پاسخ‌های داده‌شده در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سؤال‌های شماره ۴، ۶ و ۳ به ترتیب بیشترین میانگین و سؤال‌های شماره ۵ و ۲ کمترین میانگین را دارند. البته شایان ذکر است که سؤال شماره ۵ از جمله سؤال‌های منفی است که در نمره‌گذاری معکوس حساب شده است. با توجه به میانگین حیطة (۲/۹۸) که از میانگین فرضی (۳) کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد، بهبود زندگی مشترک را در نظر نگرفته‌اند. نتایج یافته‌های حاصل از آزمون t تک‌متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه‌شده ۰/۳۹۲- بوده و تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار نیست ($p < ۰/۰۵$). به عبارت بهتر، تمایل بهبود زندگی خانوادگی در گرایش ورود به دوره کارشناسی ارشد به‌طور معنادار مؤثر نبوده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی داده‌ها در زمینه بهبود زندگی خانوادگی

گروه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	ناحدودی	موافق	کاملاً موافق	و کاملاً موافق و درصد موافق	جمع فراوانی	میانگین طیف	انحراف معیار
۱. موفقیت در انتخاب همسر نسبت به زنان دیگر	۱۷	۶۹	۷۰	۳۴	۹	۴۴	۲۱,۶	۲,۷۴	۰,۹۸
۲. افزایش فرصت‌های ازدواج	۲۴	۹۶	۵۷	۱۴	۷	۲۱	۱۰,۵	۲,۴۱	۰,۹۱
۳. سلامت زندگی زناشویی و خانواده	۱۱	۲۹	۷۷	۶۹	۱۳	۸۲	۴۱,۲	۳,۲۲	۰,۹۶
۴. موفقیت تحصیلی فرزندان	۴	۸	۴۳	۸۱	۶۲	۱۴۳	۷۱,۹	۳,۹۵	۰,۹۳
۵. بالارفتن سن ازدواج	۶۹	۷۳	۳۵	۱۷	۲	۱۹	۹,۵	۲,۰۳	۰,۹۸
۶. کسب موفقیت در وظیفه خطیر مادری	۷	۲۴	۶۰	۷۲	۳۵	۱۰۷	۵۳,۸	۳,۵۲	۱,۰۳
جمع کل	۲,۸۵	۲,۹۸							

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

سؤال سوم: تفاوت دیدگاه دانشجویان به ادامه تحصیل با علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی

نتایج آزمون‌های t مستقل و تحلیل واریانس بیانگر آن است که اختلاف مشاهده‌شده بین گروه‌های مختلف در هیچ‌یک از متغیرها معنادار نیست. بنابراین، دانشجویان در سنین مختلف با رشته‌های گوناگون و با سطح اقتصادی متفاوت در ارتباط با علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی نظر یکسانی دارند.

سؤال چهارم: برآورده شدن انتظار دانشجویان در زمینه علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی از طریق برنامه‌های درسی دوره

هر دوره تحصیلی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده برنامه‌های درسی شامل هدف، محتوا، روش تدریس، و ارزشیابی است که همه این موارد به اضافه محیط، امکانات، تعاملات، و فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه، سیر حرکت دانشجو را از ورود به دوره تا پایان تشکیل می‌دهند و فرایند یادگیری در خلال دوره و در تعامل با این برنامه در فرد شکل می‌گیرد. حال باید دید که برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه پاسخگوی انتظارات مختلف دانشجویان زن

بوده است یا خیر. پاسخ به این سؤال در دو حیطة مورد نظر (ابتدا حیطة تمایلات علمی و سپس خانوادگی) به‌طور جداگانه و در دو قسمت کیفی و کمی بررسی می‌شود.

تمایلات علمی

الف) یافته‌های کیفی: نظر مصاحبه‌شوندگان در زمینه برآورده شدن انتظارات علمی خود از طریق برنامه درسی بدین شرح است.

افرادی نظر مثبتی به برنامه درسی دارند، مثلاً فرد شماره ۱۹ می‌گوید: «درس‌ها و استادان به گونه‌ای بودند که علاوه بر خود علم، چگونه یادگرفتن آن را نیز به ما یاد دادند.» افرادی هم نظر نامساعدی به برنامه درسی داشتند و دلایلی همچون وجود دروس بی‌ارتباط به رشته و تئوری بودن آن‌ها و عملکرد استادان را عنوان کردند. برای نمونه، فرد شماره ۲۴ می‌گوید: «تعدادی از درس‌ها خوب‌اند، اما برخی کاملاً بی‌ربط به رشته بوده و باید با دروس تخصصی‌تر جایگزین شوند.»

جدول ۳. یافته‌های توصیفی داده‌ها زمینه برآورده شدن انتظار علاقه به علم و رشد شخصی از طریق برنامه درسی

مقیاس	میانگین طیف	جمع فراوانی و درصد زیاد و خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	تأخیری	کم	خیلی کم	مقیاس
۱. برنامه درسی در جهت علایق زنان در زمینه یادگیری علم	۲,۵۸	۴۲	۵	۳۷	۷۸	۴۶	۳۱	۱۵,۶
۲. رشد شخصی مناسب در دوره	۲,۸۰	۳۹	۵	۳۴	۱۰۱	۳۴	۲۴	۱۲,۱
۳. علاقه به برنامه درسی	۳,۱۶	۸۵	۳۵	۵۰	۵۱	۳۴	۲۷	۱۳,۶
۴. تسهیل در یادگیری مادام‌العمر	۲,۶۹	۵۱	۷	۴۴	۶۲	۴۹	۳۵	۱۷,۶
جمع کل	۲,۸۸							۴,۱۳

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

شرکت‌کنندگان در این زمینه در دو گروه قرار می‌گیرند. گروهی از شرکت‌کنندگان درباره میزان برآورده شدن این انتظاراتشان از طریق برنامه درسی معتقد بودند که برنامه درسی در این

رابطه مناسب بوده و توانسته رضایت آنان را به دست آورد (۱۵ نفر). اما گروهی نیز از عملکرد برنامه درسی در این زمینه ناراضی بودند و آن را مناسب نمی‌دیدند (۱۰ نفر).

ب) یافته‌های کمی: سؤال‌های مربوط به برآورده شدن انتظار علاقه به علم و رشد شخصی به‌طور خلاصه همراه با پاسخ‌های داده‌شده در جدول ۳ ارائه شده است.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سؤال ۳ بالاترین میانگین و سؤال ۴ نیز کمترین میانگین را دارد. در مجموع و با توجه به میانگین حیطة (۲/۸۸)، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی انتظار دانشجویان را در این زمینه برآورده نکرده است. یافته‌های حاصل از آزمون t تک‌متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه‌شده ۱/۶۰۱- بوده که از نظر آماری در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار نیست ($p < 0/05$). و با توجه به تفاوت میانگین مشاهده‌شده (۰/۱۲-) می‌توان گفت که برنامه درسی انتظار دانشجویان را در زمینه علاقه به علم و رشد شخصی برآورده نمی‌کند.

تمایلات خانوادگی

الف) یافته‌های کیفی: نقش برنامه درسی در برآوردن انتظار بهبود ایفای نقش همسر و مادر بودن در خانواده این‌گونه بررسی می‌شود:

آن دسته از افراد که نظر مثبتی به برنامه درسی دارند و وجود برخی از واحدهای درسی از جمله دروس مهارتی و همچنین فضای کلی دانشگاه و تعاملات در آن را در این زمینه مؤثر می‌دانند، برای مثال فرد شماره ۲۰ می‌گوید: «مهارت‌های جانبی مثل مهارت جست‌وجو و استفاده از نرم‌افزارهای عمومی، که صرفاً مربوط به رشته هم نیست، در این زمینه مؤثر بوده است.»

آن دسته از زنان که از برنامه درسی راضی نبودند بی‌ارتباط بودن دروس رشته خود را این حیطة را عنوان کرده و وجود دروس و کارگاه‌هایی در این زمینه را لازم می‌دانند؛ مثلاً فرد شماره ۸ می‌گوید: «اگر در کنار هر رشته‌ای دروسی مثل روان‌شناسی و... وجود داشت که رشد شخصیت افراد را افزایش می‌داد مناسب بود.»

ب) یافته‌های کمی: سؤال‌های مربوط به برآورده شدن انتظار بهبود زندگی خانوادگی به‌طور خلاصه همراه با پاسخ‌های داده‌شده در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که جمع و درصد خیلی زیاد و زیاد در سطح پایینی قرار دارد. یافته‌های حاصل از آزمون t تک‌متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه‌شده ۱۰/۲۸- بوده که از نظر آماری در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار است ($p < 0/05$) و با توجه به تفاوت میانگین مشاهده‌شده (۰/۷۷-) می‌توان گفت که برنامه درسی انتظار دانشجویان را در زمینه بهبود زندگی خانوادگی برآورده نمی‌کند.

جدول ۴. یافته‌های توصیفی داده‌ها زمینه برآورده شدن انتظار بهبود زندگی خانوادگی از طریق برنامه درسی

گروهها	خیلی کم	کم	تأخیری	زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد و در صد زیاد و جمع فراوانی	میانگین طیف	انحراف معیار
۱. تأثیر برنامه درسی در جهت بهبود زندگی زناشویی و همسر داری	۷۵	۵۳	۵۱	۱۶	۳	۱۹	۲,۰۸	۲,۳۹
۲. کمک به عملکرد بهتر زنان به‌عنوان مادر	۶۰	۴۴	۵۸	۲۶	۹	۳۵	۱,۰۴	۱,۱۷
جمع کل	۳۰,۲	۲۲,۱	۲۹,۱	۱۳,۱	۴,۵	۱۷,۶	۲,۲۳	۲,۰۷

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی برخی از علل افزایش ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان پرداخته و میزان برآورده شدن این انتظارات از طریق برنامه درسی نیز بررسی کرده است. همچنین، تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر افزایش گرایش به تحصیل توسط زنان نیز بررسی شده است.

زنان شرکت‌کننده در این پژوهش درباره تأثیر تمایلات علمی در تصمیم به ادامه تحصیل، در کل نظر مثبتی داشته‌اند. بررسی نظر دانشجویان شرکت‌کننده در مصاحبه، بیانگر این موضوع است که اکثریت افراد با علاقه به علم و رشد شخصی وارد دوره کارشناسی ارشد شده‌اند. این افراد شامل دانشجویانی هستند که به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند بودند یا صرف درس خواندن و افزایش رشد فردی برای آن‌ها اهمیت داشت. یافته‌ها در بخش کمی نیز با نتایج حاصل از مصاحبه (کیفی) همخوانی دارد و با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های محمدی و طارمی (۱۳۸۴)، سعیدی (۱۳۸۴)، اسمیت (۱۹۹۶)، کوکر (۲۰۰۳)، و اسکورجوتنس و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد. آن‌ها در این پژوهش‌ها دریافته‌اند علاقه به علم و رشد شخصی در ادامه تحصیل زنان مؤثر است. درباره تأثیر تمایلات خانوادگی در تصمیم به ادامه تحصیل، شرکت‌کنندگان نظر منفی داشتند و اعلام کردند که به این عامل در تصمیم خود توجه نداشتند. یافته‌های کمی و کیفی در این زمینه همخوانی دارد. این نتیجه با پژوهش رضایت (۱۳۸۳)، سعیدی (۱۳۸۴)، قانع‌راد و خسروخوار (۱۳۸۵)، فاتحی و همکاران (۱۳۸۸)، ونولی (۲۰۰۱)، کوکر (۲۰۰۳)، و تورستین (۱۳۸۳) همسو نیست. در پژوهش‌های ذکر شده مشخص شد که تمایلات خانوادگی در تصمیم

زنان برای ورود به دانشگاه تأثیرگذار است. بررسی تمایلات علمی و خانوادگی برحسب عوامل جمعیت‌شناختی حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین علاقه به علم و رشد شخصی و بهبود زندگی خانوادگی با توجه به عامل‌های سن، رشته تحصیلی، و وضعیت اقتصادی دانشجویان زن وجود ندارد. در زمینه رضایت دانشجویان از برنامه درسی، بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان از نظر علمی از برنامه دوره راضی بودند، اما در بخش کمی نتایج معنادار نبود و حاکی از نارضایتی از برنامه درسی بود. نتایج به دست آمده در بخش کمی با یافته‌های گورکانی (۱۳۸۱) همسو است. در فرضیه او درباره بالارفتن سطح آگاهی دانشجویان زن مشخص شد که برنامه درسی دانشگاه، انتظار زنان در زمینه افزایش آگاهی را برآورده ننموده است. درباره تمایلات خانوادگی نیز، یافته‌ها در بخش کیفی و کمی نشان‌دهنده نارضایتی دانشجویان از برنامه درسی دوره است.

نتایج حاکی از آن است که تمایلات علمی از جمله دلایل مهم و دارای اولویت برای ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد است. به این دلیل که انسان‌ها به‌طور فطری کنجکاوند و در طول زندگی خود در پی دستیابی به آگاهی و کشف حقایق دنیای پیرامون خود هستند. حضور در دانشگاه و تحصیل در دوره‌های تکمیلی به‌منزله راهی برای ارضای این نیاز در بین آن‌ها، به‌ویژه زنان به لحاظ فراغت بیشتری که نسبت به مردان دارند، مطرح است، اما آنچه مسلم است، با توجه به نمونه‌آرزایی‌شده در این پژوهش، برنامه‌های درسی دانشگاه توفیق چندانی در برآوردن این انتظار زنان نداشته‌اند. این موضوع لزوم توجه مسئولان برنامه‌ریزی در دانشگاه را برای بازنگری در برنامه‌های درسی موجود در دوره کارشناسی ارشد مشخص می‌کند. پیشنهادهایی که در این زمینه می‌توان ارائه دارد عبارت‌اند از اینکه در درجه اول سرفصل‌ها و منابع موجود به‌طور مرتب ارزیابی و با توجه به پیشرفت‌های علمی جهانی به‌روزرسانی شوند، برنامه درسی بیش از پیش پربارتر شود و از ارائه دروس غیرتخصصی با حجم‌های زیاد و وقت‌گیر خودداری شود و آموزش به گونه‌ای ارائه شود که دانشجویان فعالی پرورش یابند تا به صورت یادگیرنده مادام‌العمر تربیت شوند. درباره تمایلات خانوادگی نتایج نشان می‌دهد که این عامل در ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد مطرح نبوده است. در این زمینه، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این احتمال وجود دارد که در بین زنان زندگی خانوادگی از اهمیت کمتری برخوردار بوده و یا پیوند متقابلی بین تحصیل و نقش زن در خانواده برقرار نشده است. به علاوه، دانشجویان معتقدند برنامه‌های درسی نیز انتظار آنان در کمک به بهتر ایفا کردن نقش خود در خانواده برآورده نکرده است. بنابراین، دانشگاه بایستی در جهت برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی برای همه دانشجویان، اعم از زن و مرد، و در همه سطوح تحصیلی و رشته‌های مختلف اقدام کند و زمینه‌های ترویج ازدواج آسان و موفق را با عنایت به این امر که امکان آشنایی با همسری که بتواند مکمل و مشوق تحصیل و کسب تخصص باشد در دانشگاه‌ها به مراتب بیشتر از مکان‌های دیگر است، فراهم کند.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] آرام، احمد (۱۳۶۳). *الحیات*، ترجمه محمد رضا حکیمی و همکاران، ج ۱، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۳] بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۸۳). «تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج»، کتاب زن، ش ۲۶، ص ۲۸۵-۲۳۰.
- [۴] تورستین، وبلن (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشد، تهران: نی.
- [۵] خیراللهی، آسیه (۱۳۹۲). «بررسی عامل‌های افزایش ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- [۶] رضایت، غلامحسین (۱۳۸۳). «بررسی پیامدهای افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها طی دهه هفتاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- [۷] سایت سالنامه آماری ایران (۱۳۹۰). سایت: <http://salnameh.sci.org.ir>
- [۸] سعیدی، منصوره (۱۳۸۴). «دختران و تحصیلات دانشگاهی»، *نشریه حیات نو اقتصادی*. برگرفته از: <http://fehrestgan.qomuniv.local>
- [۹] طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳). «آثار جهانی شدن بر زنان»، *فصلنامه پژوهش زنان*، ش ۸، ص ۹۳-۱۱۲.
- [۱۰] فاتحی، ابوالقاسم؛ بدیعی، مهدی و همکاران (۱۳۸۸). «چرایی افزایش نسبی ورود دختران به دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه اهواز)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۴، ص ۱۷۳-۲۰۴.
- [۱۱] فانی‌راد، امین؛ خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۵). «نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه»، *فصلنامه پژوهش زنان*، ش ۴، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- [۱۲] گورکانی بروج، طاهر (۱۳۸۱). «علل افزایش دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه اصفهان.
- [۱۳] لگنهاوزن، محمد؛ جواندل، نرجس (۱۳۸۳). «اسلام در رویارویی با فمینیسم»، *بانوان شیعه*، ش ۲، ص ۵۸-۱۹.
- [۱۴] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۳۵). *بحار الانوار*، ج ۱۰۳، تهران: کتاب‌فروشی اسلامییه.
- [۱۵] محمدی روزبهانی، کیانوش؛ طارمی، ابوالفضل (۱۳۸۴). «عوامل انگیزش داوطلبان برای ورود به دانشگاه»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۱۰۳-۱۲۶.
- [۱۶] مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *نظام حقوق زن در اسلام*، قم: صدرا.
- [17] Spreitzer, G.M. (1995). Psychological Empowerment in the workplace: Dimensions, Measurement, and Validation. *Academy of Management Journal*, 38 (5). PP 1442-1465.
- [18] Coker, A. (2003). African American female adult learners motivations, challenges, and coping strategies. *Journal of Black Studies*. 33 (5): PP 654-674.
- [19] Hirst, P. H. (1974). Liberal education and the nature of knowledge in Hirst, P.H., Knowledge and the Curriculum. Routledge and Kegan Paul. London, PP 30-53.

- [20] Smith, A. (1996). Syposium: equal opportunities women of Europan university. University of Berlin.
- [21] Skjortnes, M., & Colleagues. (2010). Education and gender; eindings from M. Skjortnes and et al broaden understanding of education and gender. *Education Letter*. Atlanta: P 79.
- [22] Van valey, T. L. (2001), Recent changes in higher education & their ethical implication. *Teaching Sociology*, 2 (1): PP 1-8.
- [23] Young Jang, S., & Merriam, S. (2004). Korean Culture and the Reentry Motivations Of University-Graduated Women. *Adult Education Quarterly*, 54, PP 273 – 290.

